

بررسی میزان تأثیر مادیات و رزق بر رشد و تعالی خانواده بر اساس آیات و روایات

- سید منذر حکیم *
- ذبیح الله فاضل نوری *
- سید محمود مرتضوی هشرودی *

چکیده

انسان همیشه به دنبال آرامش مادی خود بر روی زمین بوده و هست، تحصیل رزق خود، اعضای خانواده، قبیله و کشور همیشه از مهمترین دغدغه های بشریت بوده است، و بیشتر تلاش زندگی انسان برای به دست آوردن احتیاجات مادی خود معطوف شده است. اینکه انسان برای رفع احتیاجات خود تلاش کند مورد نکوهش قرار نمی گیرد، آنچنانکه اهل بیت ع هم در این مسیر تلاش های زیادی داشته اند؛ ولی مشکل اصلی اینجاست که تمام تلاش برای کسب مادیات قرار می گیرد و رشد و تعالی فرد و خانواده همه تحت الشعاع قرار می گیرند؛ تمام اعضای خانواده دیده شده که به دنبال کسب مادیات می روند و آخرت مورد غفلت قرار گرفته و لذا از هر راهی می خواهند که ثروت را به دست آورند؛ ولی رضایت قلبی برای آن ها حاصل نمی شود و از طرفی نباید فراموش کرد که عوامل معنوی (وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ) { ذاریات ۲۲ } در کسب مادیات بی اثر نیستند.

کلید واژه ها: مادیات، رزق، خانواده، تعالی، رشد انسان، ثروت، آرامش

* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
* دانشجوی دکتری فقه و حقوق خانواده جامعه المصطفی العالمیه، zabihallah.noor@gmail.com
(نویسنده مسئول)
* استاد سطح عالی حوزه علمیه قم، mortazavi55870@gmail.com

مقدمه

انسان به عنوان موجودی بر روی زمین به مانند بقیه موجودات به نحوی خلق شده است که نیازمند خیلی از موجودات غیر هم جنس خود از حیوانات و نباتات می باشد، و این احتیاج طبیعی زندگی انسان می باشد. و از طرفی به تصریح قرآن هر آنچه بر روی زمین است برای رفع احتیاجات انسان می باشد.

«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» { بقره ۲۹ }

«وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» {

نحل ۱۲ }

همین احتیاجات مادی است که انسان را برای رفع نیازهای خود به سمت حرکت و تلاش وادار می کند، در زندگی اهل بیت علیهم السلام هم این حرکت و تلاش به وفور دیده می شود؛ و سفارش هم در این زمینه داشته اند چنانکه امام صادق ع می فرماید: «الْكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» { کافی، ج ۵، ص ۸۸؛ کتاب المعیشه }

ولی سوال اینست که آیا این حرکت و تلاش باید با محوریت رفع احتیاجات فقط باشد و یا اینکه انسان هدفی بالاتر دارد که در این مسیر برای رسیدن به آن هدف بزرگ باید احتیاجات مادی خود را هم رفع کند. در پاسخ می توان به آیه «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» { ذاریات ۵۶ } اشاره کرد که در ادامه مفصل تبیین خواهد شد. حضرت زهرا س در امور خانه تنها بودند و بیشترین فشار بر دوش ایشان است ولی از زندگی خود رضایت دارد و هیچ وقت از این نوع زندگی شکایت ندارد و هم برای پدر، شوهر و فرزندان خود کوهی از آرامش است و این آرامش و نشاط از زندگی را به آن ها هدیه می دهد.

تعیین مسیر زندگی انسان توسط خداوند

باید توجه داشت که توصیه‌های معصومین علیهم السلام برای آزادی روح انسان از ارتباطات دروغ است، که این ارتباطات دروغ و پوچ غیر الهی است که مسیر زندگی را با سختی‌های فراوان روبرو می‌کند. خداوند برای انسان مسیری را مشخص کرده است که اگر اطاعت از خدا را ترجیح دهیم و به وظیفه اصلی خود عمل کنیم همه عالم در خدمت ما قرار می‌گیرد، و حواسمان باسد باشد که هدف اصلی در زندگی نباید معطوف به کسب مادیات زندگی باشد؛ بلکه زندگی دنیا ورزشگاهی است که انسان را به قوی شدن و جمع آوری محصولی کامل در آخرت کمک می‌کند.

چنانکه خدای متعال در آیه ۲۰ سوره «شوری» با یک تشبیه لطیف، مردم جهان را در برابر روزی‌های پروردگار و چگونگی استفاده از آن، به کشاورزانی تشبیه می‌کند، که گروهی برای آخرت کشت می‌کنند، و گروهی برای دنیا، و نتیجه هر یک از این دو زراعت را، مشخص می‌کند { تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۳۹۷ }، (کسی که زراعت آخرت را طالب باشد، به او برکت می‌دهیم و بر محصولش می‌افزاییم)؛ «مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ» { شوری ۲۰ }

ابن ابی عمیر روایت کرده که گفت: به حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) عرضه داشتم: معنای این حدیث رسول خدا (ص) که فرموده: "اعملوا فکل میسر لما خلق له - عمل کنید که هر کس برای هر چه خلق شده، رسیدن به آن غرض را برایش آسان کرده‌اند" چیست؟ فرمود: خدای عز و جل جن و انس را آفرید برای اینکه بندگی اش کنند، و نیافریده که نافرمانی اش کنند، چون خودش فرموده: "وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ" پس وقتی خدای تعالی همه را برای این غرض مقدس خلق کرده، قطعاً هر کس می‌تواند به آن هدف برسد، پس وای بر کسی که کوری را بر هدایت ترجیح داده، آن را انتخاب کند. { نور الثقلین ج ۵، ص ۱۳۲ به نقل از توحید }

و یا به تعبیری دیگر در حدیثی از امام حسین علیه السلام می‌خوانیم: خداوند مردم را نیافرید مگر برای معرفت و شناختن و چون او را شناختند، او را عبادت می‌کنند و هر که او را عبادت کند، از بندگی غیر او بی‌نیاز می‌شود. { علل الشرایع باب ۹، ص ۹، ح ۱ }

انسان نیز برای هدفی متعالی آفریده شده که راه رسیدن به آن، عبادت خدا است. «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» البتّه عبادت معنای عام دارد و به هر کار نیکی که با هدف الهی انجام شود،

عبادت گفته می‌شود، تعبیر خداوند استشنا از نفی است و این استثناء ظهور در این دارد که خلقت بدون غرض نبوده، و غرض از آن منحصرآبادت بوده، یعنی غرض این بوده که خلق، عابد خدا باشند، نه اینکه او معبود خلق باشد، چون فرموده "الا ليعبدون" یعنی: تا آنکه مرا بپرستند، و فرموده: تا من پرستش شوم یا تا من معبودشان باشم. { المیزان ج ۱۸، ص ۵۷۹ }

نقش رزق در آسایش و تعالی انسان

باید توجه داشت که تجزیه و تحلیل نسبت به رزق یک بصیرت است که اگر انسان متوجه بشود آنچه از دستش رفته لغو نبوده و همان قدر که در دست اوست رزق او بوده است، و لذا ما باید از پیش غصه رزق فردای خود را نخوریم همان خدایی که رزق امروز را داده است رزق فردای ما را هم خواهد داد.

امام علی علیه السلام در نامه ۳۱ چنین می‌فرماید:

« وَاعْلَمْ يَا بَنِيَّ أَنَّ الرِّزْقَ رِزْقَانِ رِزْقٌ تَطْلُبُهُ وَرِزْقٌ يَطْلُبُكَ فَإِنْ أَنْتَ لَمْ تَأْتِهِ أَتَاكَ مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعِ عِنْدَ الْحَاجَةِ وَالْجَفَاءِ عِنْدَ الْغِنَى إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ » { نهج البلاغه نامه ۳۱ }

(ای فرزندانم! بدان که رزق، دو رزق است:

رزقی که تو به دنبال آن هستی

رزقی که آن به دنبال تو است. اگر تو هم به سوی آن نروی، به سوی تو می‌آید. چه زشت است فروتنی به هنگام نیاز و ستم کاری به هنگام بی‌نیازی.

دنیای تو برای تو همان قدر است که قیامت را اصلاح کند و اگر به جهت آنچه از دستت رفته نگران و ناراحت هستی، پس نگران باش برای همه‌ی آنچه در دست نداری. (امام علی علیه السلام فرزندش را متوجه آن می‌سازد، که نگرانی از رزق باعث غفلت از خدا می‌شود.

آنچه امروزه بشریت را به خاطر تعالیم مادی گریانه و به دور از توحید، دچار نگرانی و بحران کرده است این می‌باشد که همیشه نگران رزق امروز و فردای خود است و این عامل باعث شده است که تمام تلاش خود و خانواده خود را معطوف به تحصیل مادیات زندگی خود کند و در این مسیر دیده شده که زن و شوهر هر دو بر سر کار می‌روند و فرزندان خود را هم به پرستار می‌سپارن، و کارفرمایان

هم هیچ گونه تعطیلی برای این افراد لحاظ نمی کنند؛ و معنویت در این مسیر اصلا لحاظ نمی شود و انسان در این مسیر به مانند یک ماشین صنعتی دیده می شود و تا وقتی سالم است از او استفاده می کنند؛ کارگر هم به خاطر ترس از رزق فردای خود تن به هر آنچه سرمایه داران می گویند می دهد. و جای تعجب این می باشد که با وجود این همه کار و تلاش آرامشی که به دنبال آن هستند را هیچ وقت پیدا نمی کنند!!

با نگاهی به زندگی معصومین علیهم السلام می بینیم که زندگی آن ها بر محور توحید بوده و لذا همه امکانات مادی زندگی را در خدمت توحید قرار می دادند و حتی وسط میدان جنگ دست از جنگ می کشیدند و به نماز می ایستادند، هیچ وقت تلاش برای رزق را فدای توحید نکردند. با نگاهی به زندگی آن بزرگواران می بینیم که زندگی خود و خانواده خود را به نحوی تقسیم می کردند که آسیبی به آخرت و دنیای خود و همچنین خانواده آن ها نمی خورد. امام علی علیه السلام چنین می فرماید: « قَالَ عِ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ وَ سَاعَةٌ يُخَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَذَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصًا إِلَّا فِي ثَلَاثٍ مَرَمَّةٍ لِمَعَاشٍ أَوْ خُطْوَةٍ فِي مَعَادٍ أَوْ لَذَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ » { نهج البلاغه کلمات قصار ش ۳۹۰. } (وقت هر انسان مؤمن سه قسمت است: ۱- یک وقت و ساعتی که برای مناجات و دعا و عبادت است ۲- یک وقت و ساعتی که برای کسب معاش و در آمد است ۳- یک وقت و ساعتی که برای تفریح و استفاده از لذتهای حلال است و انسان عاقل جز در این سه مورد، وقت نمی گذراند یا کسب معاش یا قدم نهادن برای معاد و آخرت و یا لذت بردن در غیر حرام.

نگاه معصومین علیهم السلام به انسان در روی زمین و استفاده از امکانات روی زمین به نحوی است که انسان در مسیر زندگی خود همیشه باید یاد خدا همراه او باشد و استفاده او از امکانات هم در مسیر توجه به خدا باشد؛ و لذا نباید در این مسیر به خود و دیگران آسیبی برساند.

انواع رزق

انسان هر چه تلاش کند به رزقی که مقدر او نشده است نمی رسد هر چند همواره تلاش کند؛ ولی از طرف دیگر رزقی که برای انسان مقدر شده، حرکت می کند تا به انسان برسد؛ این تعبیر امام علی

علیه السلام است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: « إِنْ الرَّزْقَ لِيَطَالِبِ الْعَبْدِ أَكْثَرَ مِمَّا يَطْلُبُهُ أَجَلُهُ. » { نهج الفصاحه، حدیث شماره ۶۳۰ }

(روزی بیشتر از اجل در جستجوی بنده است.)

خداوند در قرآن می فرماید: « وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ » { هود ۶ }

رزق حقیقی که خداوند برای جنبنده‌ها تقدیر کرده به نحوی است که خدا بر خود واجب کرده است که آن را به تمام موجودات برساند.

به تعبیر دیگر خداوند می فرماید: « وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ » مراد از کلمه "سما" جهت بالا است، چون هر چیزی که بالای سر ما باشد و ما را در زیر پوشش خود قرار داده چنین چیزی را در لغت عرب "سما" می گویند. و مراد از رزق، را بعضی از مفسرین باران دانسته اند، که خدای تعالی آن را از آسمان یعنی از جهت بالای سر ما بر زمین نازل می کند، و به وسیله آن انواع گیاهانی که در مصرف غذا و لباس و سایر انتفاعات ما صرف می شود بیرون می آورد. هم چنان که فرموده: " وَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا " در این آیه باران را رزق خوانده. بعضی { مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۵۶ } هم گفته اند: منظور از رزق مذکور در آسمان، باران نیست بلکه سایر اسباب رزق است، یعنی خورشید و ماه و ستارگان و اختلافی که در طول سال در نقطه‌های طلوع و غروب آنها هست، که همین اختلاف باعث پدید آمدن فصول چهارگانه و پشت سر هم قرار گرفتن شب و روز است، و همه اینها اسباب رزقند. پس در آیه شریفه یا مضاف کلمه رزق حذف شده که تقدیر آن " و فی السماء اسباب رزقکم " است و یا مجاز گویی شده، بدین معنی که وجود سبب رزق در آسمان را وجود خود رزق خوانده.

بعضی { مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۵۶ } دیگر گفته اند: منظور از اینکه فرمود " رزق شما در آسمانست " این است که اندازه‌گیری رزق شما در آسمان می شود، در آنجا است که معین می کنند هر کسی چقدر رزق دارد. و یا منظور این است که ارزاق شما در آسمان یعنی در لوح محفوظ که در آسمان است نوشته شده. { ترجمه تفسیر المیزان ج ۱۸ ص ۵۶۲ }

ظاهر این آیه و روایات اینست که بدون تلاش هم رزق می‌رسد!! ولی این تفسیر اشتباه است، در حالی که طبق بیان خداوند و معصومین علیهم السلام این در صورتی است که فرد با حالت عادی عمل کند، و وظایف خود نسبت به خداوند، خود و اطرافیان را انجام داده باشد؛ منظور اهل بیت علیهم السلام اینست که خودت را ذلیل رزقت نکن، نغمودند که اصلاً تحرک نداشته باش و برنامه ریزی نکن و از حالت یک انسان معمولی خارج شو.

حضرت در نصیحت شان به امام حسن علیه السلام می‌فرمایند: « مَا أَقْبَحَ الْخُضُوعَ عِنْدَ الْحَاجَةِ » { نهج البلاغه نامه ۳۱ }

چقدر زشت است انسان خود را خوار کند چون آن رزقی که بناست برای تو بیاید که می‌آید و امروز هم که برای تو مقدر نشده که نمی‌آید، پس چرا خود را در مقابل اهل دنیا خوار و ذلیل می‌کنی؟ با توجه به اینکه وقتی خودت را در مقابل صاحبان ثروت سبک و ذلیل می‌کنی رزقت اضافه نمی‌شود، پس این خضوع فایده ایی ندارد!

پس از آن که فرمودند: چه زشت است در موقع نیازمندی، انسان خود را ذلیل کند، می‌فرمایند: « وَ الْجَفَاءَ عِنْدَ الْغِنَى » و چه زشت است ستمکاری به هنگام بی‌نیازی! چون فکر کرده‌ای آنچه به تو رسیده را خودت به دست آورده‌ای، نمی‌دانی آنچه که به عنوان رزق در اختیار تو می‌باشد خداوند این چنین مقدر کرده است تا در این شرایط امتحان دهی.

ظلم تکبر موقع ثروتمندی از آنجا ناشی می‌شود که انسان تصور کند خودش این ثروت‌ها را به دست آورده و هر کاری دلش بخواهد می‌تواند انجام دهد ولی وقتی فهمید یک قاعده‌ای در عالم جاری است و طبق آن قاعده و سنت به او چنین ثروتی رسیده است طور دیگری با ثروتش عمل می‌کند.

نقش ثروت در زندگی انسان

در جامعه در رابطه با ثروت دو نوع بینش داریم:

- فقیری که فکر می‌کند به نفعش بوده که بیشتر داشته باشد.

- دیگری ثروتمندی که فکر می‌کند دارایی اش بزرگی و کمال است.

برای اصلاح چنین افکار غلطی قرآن می‌فرماید: « فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ » { سوره فجر ۱۵ }

وقتی پروردگار انسان بخواهد او را امتحان کند، دو نوع برخورد با او دارد:

اول: «فَاكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ» {سوره فجر ۱۵} او را با ثروت محترم می‌دارد و او می‌گوید: پروردگارم مرا گرامی داشت.

دوم: «وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ» {سوره فجر ۱۶} او را با محدود کردن ثروت، امتحان می‌کند و او می‌گوید پروردگارم مرا سبک شمرد.

خدای تعالی در کمین او است تا ببیند به صلاح می‌گراید و یا به فساد، و او را می‌آزماید، و در بوتۀ امتحان قرارش می‌دهد، یا با دادن نعمت، و یا با محروم کردنش از آن، این از نظر واقع امر و اما انسان این واقعیت را آن طور که باید در نظر نمی‌گیرد، او وقتی مورد انعام خدای تعالی قرار می‌گیرد خیال می‌کند نزد خدا احترام و کرامتی داشته، که این نعمت را به او داده، پس او هر کاری دلش بخواهد می‌تواند بکند، در نتیجه طغیان می‌کند و فساد را گسترش می‌دهد، و اگر مورد انعام قرارش ندهد و زندگی‌اش را تنگ بگیرد، او خیال می‌کند که خدای تعالی با او دشمنی دارد و به وی اهانت می‌کند، در نتیجه به کفر و جزع می‌پردازد. {ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۴۷۲}

خداوند پس از طرح این دو بینش می‌فرماید: «كَلَّا» {فجر ۱۷} این چنین نیست «بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» {فجر ۱۷، ۱۸} بلکه شما با ثروتمندان باید وسیله اکرام یتیمان و اطعام مسکینان را فراهم کنید و نکرید، با این تصور که فکر کردی خداوند شما را ثروتمند کرده چون می‌خواست شما را بزرگ دارد این فرهنگ، فرهنگ غلطی است که فقر را نشانه خواری و غنا را نشانه بزرگی می‌داند اگر می‌خواهید دریچه معارف اهل بیت علیهم السلام به روی قلبتان باز شود باید از این نوع تحلیل‌های تاریک دنیایی فاصله بگیرید.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا لَكَ مِنْ دُنْيَاكَ مَا أَصْلَحْتَ بِهِ مَثْوَاكَ» {نهج البلاغه نامه ۳۱} که دنیای تو برای تو همان قدر است که قیامتت را اصلاح کند و اگر به جهت آنچه از دست رفته نگران و ناراحت هستی پس نگران باش برای همه‌ی آنچه در دست نداری.

حضرت می‌فرمایند آن مقدار از ثروت دنیا از تو است که می‌توانید به کمک آن قیامت خود را اصلاح کنید بقیه اش مال تو نیست اینقدرش هم برایت حتمی است.

باید توجه داشت که محال است خدا کار نقض کند چون حکیم است اگر ما را خلق کند و رزق

مناسب ما را برای ما خلق نکند مسلم ما به نتیجه ای که باید در راستای خلقت خود برسیم نمیرسیم اگر خداوند ما را در این دنیا نگه دارد کار لغو کرده است، پس حتماً ما را برای ابدیت خلق کرده است. پس باید رزق مناسب اصلاح ابدیت را به ما برساند و لذا حتماً به ما رزق می دهد و حتماً هم به ما آن رزق مناسب ابدیت را می رساند.

ثروتی که ما را از ابدیت باز کند، رزق ما نیست. خداوند آن رزقی که ما را به ابدیت بکشد و قیامت ما را اصلاح کند حتماً به ما می رساند و حضرت می فرماید: پس حرص و غصه ندارد چون رزق حقیقی تو آن است که قیامت تو را برای تو اصلاح کند و این بحث مطمئناً همواره نزد تو است مواظب باش از این مسئله مهم غفلت نکنی.

علامه طباطبایی در راستای تبعات علت مادی شدن اسلام پس از رحلت رسول خدا میفرماید: «اوایل صلاح اسلام و مسلمین مطرح بود ولی در اواخر صلاح مقام خلافت جایگزین مصالح اسلام و مسلمین شد و در نتیجه سیرت اسلامی نبی اکرم ص از بین رفت و هم اجرای احکام به طور کلی منوط به صلاحدید و نظر خلفا شد!!» { معنویت تشیع، علامه طباطبایی، ص ۵۰ }
باید توجه داشته باشیم این است که انسان باید به ابدیت و قیامت برسد و به ابدیت رسیدن ما توشه می خواهد توشه معنوی به نام نبوت و توشه مادی به نام رزق، حتماً به طوری که ما را به ابدیت برساند اعم از رزق معنوی و مادی را خداوند با ما خلق کرده است.

نتیجه

وظیفه انسان در تحصیل رزق

رزق در زندگی انسان و خانواده از یک منظر مهمترین مسئله و لذا خیلی از افراد امروزه به خاطر ترس از امور مادی و ترس از نداشتن مادیات زندگی به سمت ازدواج و تشکیل خانواده نمی روند؛ و از منظری دیگر ساده ترین مسئله زندگی می باشد، و همین امر است که اگر منظر خود را نسبت به رزق تصحیح نکنیم ممکن است طلب رزق، تمام زندگی ما را اشغال کند، در حالی که رزق امری است که باید برای هدفی بسیار بزرگتر در زندگی باشد، هدف زندگی ما گردیده است.
لذا برای نجات از چنین مهلکه ای باید با دقت هرچه تمام تر جایگاه رزق را در زندگی خود بشناسیم و

بررسی کنیم که آیا خالق انسان او را در تهیه رزق به خودش وا گذاشته یا نه؟ آیا همراه با خلقت او رزق او را نیز خلق کرده و یا چیزی است بین این دو؟ و خلاصه انسان در طلب رزق چه وظیفه ای بر عهده دارد؟

آنچه که مردم به اشتباه تصور دارند و دنبال آن هستند ثروت غیر حقیقی است، مثلاً اگر لباس برای آن است که اولاً وسیله کرامت و عزت باشد، ثانیاً مرا از گرما و سرما حفظ کند، این لباس در واقع ثروت حقیقی من است؛ اما اگر می‌خواهم با لباس توجه شما را به خودم جلب کنم دیگر این رزق حقیقی من نیست و تنها به وسیله آن ابدیت خود را آباد نکرده‌ام بلکه ابدیتم را خراب کرده‌ام.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: رزق تو همان اندازه‌ای است که زندگی دنیایت را طوری سر و سامان دهد که بتوانی به کمک آن ابدیت را اصلاح کنی، اگر دنبال بقیه‌اش رفتی، درست به دنبال ضد رزق خود رفته‌ای و آنچه را هم می‌توانستی با رزق اولیهات در راستای اصلاح قیامت خودت به دست آوری، تخریب کرده‌ای.

«أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: لَيْسَ مِنْ نَفْسٍ إِلَّا وَقَدْ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهَا رِزْقَهَا حَلَالًا يَأْتِيهَا فِي عَافِيَةٍ وَعَرَضَ لَهَا بِالْحَرَامِ مِنْ وَجْهِ آخَرَ فَإِنْ هِيَ تَتَاوَلَتْ شَيْئًا مِنَ الْحَرَامِ قَاصَّهَا بِهِ مِنَ الْحَلَالِ الَّذِي فَرَضَ لَهَا وَعِنْدَ اللَّهِ سِوَاهُمَا فَضْلٌ كَثِيرٌ وَهُوَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ - وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ» { کافی، ج ۵، ص ۸۰ }

یعنی هیچ کس نیست مگر اینکه خدای عزوجل برای او رزق حلالی در عین سلامت و عافیت فرض کرده و در عرض هر رزق حلالی از جهت دیگر رزق حرامی را قرار داده، پس اگر آن شخص چیز حرامی را به دست آورد، از آن حرام برایش از رزق حلال کم می‌گذارند.

ما نمی‌دانیم رزقمان از چه راهی می‌رسد، ولی می‌دانیم که در مقابل خداوند آدابی برعهده‌ی ما هست که باید دائم رابطه خودمان را با خدا حفظ کنیم همچنان که آدابی نسبت به خود داریم، به یک آدابی نسبت به خلق.

معلوم است که خدا ما را بی رزق نمی‌گذارد، حالا اگر ما از این زاویه نگاه کنیم که رزقی داریم که به دنبال ما می‌آید و برای ما مقدر شده است آیا باز خودمان را در خیال و وهم خسته می‌کنیم؟ وقتی متوجه شدیم رزق حقیقی ما به دنبال ما می‌آید، از این به بعد به دنبال وظیفه ما نسبت به خلق خدا هستیم و سعی در آسایش مردم داریم تا از این طریق جامعه را رشد دهیم، در این حالت است که می

گوییم جامعه رشد کرده چون شرایط تعالی معنوی در کنار رفاه اقتصادی برای افراد فراهم شده است. آنچه در سیاست‌های فرهنگ غرب «توسعه» نامیده شده است همان حرص ثروت اندوزی است لذا گفته می‌شود توسعه انسان را عجول می‌کند، چون در توسعه حفظ عامل حرکت است فرق سیاست‌های خلیفه دوم و امیرالمومنین علی علیه السلام در کشورداری در همین بود که خلیفه دوم دنبال توسعه بود و علی علیه السلام دنبال رشد و تعالی جامعه بود. حضرت علی علیه السلام در زمان خلافت خود جامعه را طوری تربیت کردند که در عین آسایش اقتصادی به عبودیت و آبادانی قیامت پردازند ولی لشکر خلیفه دوم تا فلات تبت آمد و از یک طرف تا شمال آفریقا و از طرف دیگر تا کوه های پیرنه و آن طرف تا جنوب روسیه، و انگیزه اصلی این لشکرکشی ها به دست آوردن غنائم بود و نتیجه اش ملتی شد که از نظر معنوی در پایین ترین درجه قرار داشتند.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند: «اطلبوا الحوائج بعزّة الأنفس فإنّ الامور تجري بالمقادیر.» { نهج الفصاحه، حدیث ۳۲۵ }

حوائج خویش را با عزت نفس بجوئید زیرا کارها جریان مقدر دارد
با عزت نفس به دنبال حوائج و نیازهای خود بروید چرا که امور زندگیتان بر اساس مقدرات الهی جریان دارد و با خوار و زبون کردن خود بیش از آنچه مقدر شما است به شما نمی رسد
پایین آمدن سطح فکری باعث میشود که سخن ائمه علیهم السلام و حکمت اهل بیت را نفهمیم آنچه شیطان به دنبال فعال کردن آن است این می باشد که از این سطحی نگری ما سوء استفاده کند و دنیای به ظاهر زیبا را در نظر ما جلوه دهد تا از دین و اهل بیت ع جدا شویم با جدا شدن از سخنان معصومین در مرگ رسمی قرار می گیریم، در حالی که که زندگی بدون اهل بیت ع را زندگی نام گذاری کرده ایم؛ خداوند ما را برای بندگی خلق کرد پس ما نباید در طلب رزق حرص بخوریم زیرا خداوند رزق ما را از قبل تامین کرده و این گناهان است که باعث تنگی رزق می شود، در حالی که اگر ما به وظیفه اصلی خود که رسیدن به تکامل و آخرت آباد است عمل کنیم خداوند هم امور دنیای ما را برعهده می گیرد.

کتابنامه

قرآن کریم

- کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، انتشارات الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق
- سید رضی، ترجمه حسین انصاریان، **نهج البلاغه**، انتشارات دارالعرفان
- پاینده، ابواقاسم، **نهج الفصاحه**، انتشارات دنیای دانش
- مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، انتشارات دارالکتب الاسلامیه،
- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه موسوی، محمد باقر، **ترجمه تفسیر المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی
- حویزی، عبد علی بن جمعه، **تفسیر نور الثقلین**، انتشارات اسماعیلی
- ابن بابویه، محمد بن علی، **علل الشرایع**
- طاهر زاده، اصغر، **خطر مادی شدن دین**، انتشارات لب المیزان، ۱۳۸۹
- طاهر زاده، اصغر، **جایگاه رزق انسان در هستی**، انتشارات لب المیزان ۱۳۸۹
- طباطبایی، محمد حسین، **معنویت تشیع**، انتشارات تشیع